

آثار ردائل اخلاقی در خانواده از منظر قرآن

مریم حبیبی¹

چکیده

قرآن کریم کتابی جامع و هدایتگر در رسیدن انسان به کمال بوده و فضائل و ردائل اخلاقی در آن ذکر شده است. ردائل اخلاقی از منظر قرآن، شامل خشونت و تندخویی، آزار جسمی نسبت به خانواده، دشنام و ناسزاگویی، استهزاء و مسخره کردن، سرزنش و سرکوفت و جروبحث و منازعات لفظی می باشد که هر کدام از این موارد اثرات منفی بر خانواده می گذارند و سبب ایجاد اختلال در روابط خانوادگی، بی احترامی زن و مرد نسبت به هم، تزلزل بنیان خانواده، بی علاقه‌گی و بی محبتی و شعله‌ور ساختن آتش لجاجت، نفرت و تنهایی افراد خانواده می شوند. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای با مطالعه‌ی کتب و مقالات مرتبط به تبیین آثار ردائل اخلاقی در خانواده از منظر قرآن کریم پرداخته است.

کلیدواژه: آثار ردائل اخلاقی، اخلاق، خانواده، قرآن.

¹ سطح دو، حوزه علمیه کوثریه.

مقدمه

بی تردید انسان در جامعه در معرض کنش ها و واکنش های از جانب دیگران است. از آن جهت که خداوند خالق انسان ها بوده و به عملکرد آنها و نتیجه اعمال ایشان کاملاً عالم است، در غالب دین، برنامه های را برای انسان ها نازل فرموده است. خداوند بر خاتم پیامبران دستورالعمل های را نازل فرمودند و در غالب دین اسلام، به انسان ها ارائه شده است. اعمال انسان به دو بخش فضائل (برتری ها) و رذائل (پستی ها) تقسیم می شوند. و این اعمال نتایجی را در پی دارند. هر آنچه موجب سعادت و هر آنچه موجب بدبختی انسان در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی می شوند را خداوند پیشبینی نموده و در غالب دین اسلام آن ها را بیان نموده اند. حال سوال این است: از نظر اسلام رذائل اخلاقی، چه تاثیری بر خانواده دارد؟ با تحقق و جستجو در قرآن و سنت به آثار و نتایج رذائل اخلاقی در خانواده دست یافتیم و آن ها را بررسی نمودیم.

خانواده به عنوان یک جامعه کوچک است. کنش ها در خانواده علاوه بر تاثیر مهم در زندگی فردی، تاثیر بسزای در اجتماع دارد. ضرورت بحث در این است که ما آنچه موجب فضیلت و سعادت خانواده و همچنین موجب بدبختی خانواده می شود را بشناسیم و در غالب فضائل و رذائل بررسی نماییم و آسیب شناسی نمایم و در مسیر تحقق آرمان های اسلامی تلاش نماییم. از آنجا که خداوند قرآن را بر اساس زندگی روزمره انسان های نازل نموده است. و همچنین روایات های که از پیامبر اکرم اسلام و ائمه اطهار نقل شده، بر اساس کنش ها و واکنش های مردم آن زمان بوده است. با جستجو و پژوهش در قرآن کریم و ابواب حدیثی در جوامع حدیثی، می توان به ابوابی پیرامون فضائل و رذائل اخلاقی دست پیدا کنیم. و از آن زمان با تدوین کتبی همچون المومن و الزهد می توان به پیشینه تحقیق پی ببریم. برخورد تند و خشن با افراد، آنان را از انسان می رنجاند و اطراف او را از دوستان خالی می کند. این رفتار بد، آرامش حاصل از ازدواج و تشکیل خانواده را از بین می برد و همسر را به اضطراب و افسردگی دچار می کند. همچنین مسخره کردن دیگران و گفتن عیب های آنان و آزار رساندن به اعضای خانواده، عذاب آخرتی را برای فرد مسخره کننده در پی خواهد داشت.

در تحقیق پیش رو با بهره گیری از قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) آثار رذائل اخلاقی بر خانواده را تبیین و آسیب شناسی نموده و در ادامه پیامدهای چنین رفتارهایی اشاره خواهد شد.

رذائل اخلاقی

رذائل: جمع رذیلت، در لغت به معنای پست، حقیر، زشت و ناپسند¹

در اصطلاح علم اخلاق به هر آنچه که انسان را از رسیدن به هدف حقیقی خلقت باز می‌دارد اطلاق می‌شود برخی از دانشمندان فضیلت‌ها را امور مقتضی ستایش و رذیلت‌ها را امور مقتضی نکوهش دانسته‌اند.²

رذیلت ضد مکارم اخلاقی تعریف می‌شود.³

رذیله به صفت و عادت و عملی گویند که مانع شناخت عالی و حقیقی خداوند و بندگی او و برخورد مثبت با سایر بندگان خداوند توسط انسان می‌شود. رذیلت اخلاقی که از آن با عبارات متفاوتی همچون فعل غیر اخلاقی _ در مقابل فعل اخلاقی _ و ضد ارزش اخلاقی _ در مقابل ارزش اخلاقی _ یاد می‌شود؛ واژه‌ای است که در فرهنگ دین در برابر فضیلت اخلاقی به کار می‌رود و از آن در مکاتب مختلف اخلاقی، تعاریف متعدد و متفاوتی صورت گرفته است.⁴

رذایل اخلاقی در واقع امراضی نفسانیند که بر روح انسان عارض شده، آن را آزرده می‌سازند.⁵

هر آنچه ضد فضائل است و قرار داشتنش بر صفحه وجود انسان از قدر و قیمت او می‌کاهد و وی را به شرارت و گناه و مزاحمت دیگران و پایمال کردن حقوق انسان‌ها می‌کشاند.⁶

آثار رذائل اخلاقی

خداوند در قرآن کریم عدم خسران در دنیا و آخرت را منوط به عمل صالح و نیکو، معرفی نموده است. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» «همه انسان‌ها دچار خسران می‌شوند مگر کسانی که ایمان بیاورند و کارهای صالح و نیکو انجام دهند».⁷ این نیک خوئی را چندین رذیلت اخلاقی تهدید می‌کند؛ برای جلوگیری از تهدیدها و چالش‌های مواجهه با چنین رذائلی باید

¹ بندرریگی، محمد، فرهنگ جدید، ص ۴۲۰

² طوسی، نصیرالدین، شرح اشارات و التنبیهات ابن سینا، ص ۱۴۶

³ همو، اخلاق ناصری، ص ۷۱.

⁴ دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین، گناهان کبیره، ص ۵۹.

⁵ مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۷، ص ۳۰۲۳.

⁶ انصاریان، حسین، زیبایی‌های اخلاق، ص ۲۱.

⁷ عصر: ۲ و ۳.

آنها را بشناسیم و از آنها بهره‌ییزیم. برخی از این رذایل عبارت از: عصبانی شدن و تندخویی، دشنام و ناسزاگویی، استهزا، سرزنش و سرکوفت زدن هستند.

۱. خشونت و تندخویی

این صفت رذیله، از جنبه اجتماعی و خانوادگی، مشکلات جدی در روابط ما با دیگران به ویژه اهل خانه ایجاد می‌کند و از محبوب شدن ما نزد اهل خانواده می‌کاهد. داد زدن بر سر همسر و فرزندان و تندی کردن با آنها، آنان را رنجیده خاطر کرده، نسبت به زندگی خانوادگی دلسرد می‌نماید. از پیامدهای آن، دلسردی از خانواده، دوری فرزند یا همسر از زندگی در جمع چنین خانواده ای است. خانواده، نهادی است که بر اساس مهر و محبت بنا شده و جایی است که در آن زن و شوهر در کنار هم به آرامش دست می‌یابند؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» «و از نشانه های خدا این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفریده تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد». ^۱ علامه طباطبائی ذیل آیه شریفه فرموده است: کلمه (مودت) تقریباً به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد، در نتیجه نسبت مودت به محبت نسبت خضوع است به خشوع، چون خضوع آن خشوعی را گویند که در مقام عمل اثرش هویدا شود، به خلاف خشوع که به معنای نوعی تأثر نفسانی است، که از مشاهده عظمت و کبریایی در دل پدید می‌آید.

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله به دلیل نرمی و ملاطفت و نداشتن زبانی تند و غلیظ، چنین مورد ستایش خداوند قرار گرفته است. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛ به (برکت) رحمت الاهی، با مردم نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند». ^۲

طبق این آیه، برخورد تند و خشن با افراد، آنان را از انسان می‌رنجاند و اطراف او را از دوستان خالی می‌کند. این رفتار بد، آرامش حاصل از ازدواج و تشکیل خانواده را از بین می‌برد و همسر را به اضطراب و افسردگی دچار می‌کند. گاه لحظه ای عصبانی شدن، چنان مشکلاتی برای انسان به وجود می‌آورد که جبران آنها به آسانی میسر نیست. افزون بر این، چون هنگام تندی و عصبانیت،

^۱ روم: ۲۱

^۲ آل عمران: ۱۵۹

برخورد انسان از روی عقل و منطق نیست و از هیجان روحی و عصبی ناشی می شود، معمولاً پشیمانی در پی دارد؛ گاه این پشیمانی به حدی است که فشار عصبی شدیدی ایجاد می کند.

خداوند در سوره ضحی پیامبر اکرم اسلام را از تندی با شخص سائل بر حذر داشتند. «وَأَمَّا السَّائِلُ فَلَا تَنْهَرْ؛ و «لا تنهر» از ماده «نهر» به معنی راندن توأم با خشونت است، و بعید نیست ریشه آن با نهر به معنی نهر آب جاری یکی باشد چرا که آن هم آب را با شدت می راند!

در اینکه منظور از سائل در اینجا چه کسی است؟ چند تفسیر وجود دارد:

نخست اینکه منظور کسانی است که سؤالاتی در مسائل علمی و اعتقادی و دینی دارند، به قرینه اینکه این دستور تفریعی است بر آنچه در آیات قبل آمده «و وجدک ضالاً فهدی» خداوند تو را گم شده یافت و هدایت کرد پس به شکرانه این هدایت الهی تو نیز در هدایت نیازمندان کوشا باش، و هیچ تقاضا کننده هدایتی را از خود مران. دیگر اینکه منظور کسانی است که دارای فقر مادی هستند، و به سراغ تو می آیند، باید آنچه در توان داری به کارگیری، و آنها را مایوس نکنی، و از خود نرانی.

سوم اینکه هم ناظر به فقر علمی است و هم فقر مادی، دستور می دهد که به تقاضای سائلان در هر قسمت پاسخ مثبت ده، این معنی هم تناسب با هدایت الهی نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) دارد و هم سرپرستی از او در زمانی که یتیم بود.²¹

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد: کلمه «نهر» که مصدر فعل نهی «لا تنهر» است، به معنای زجر و رنجاندن با غلظت و خشونت است. سؤل کننده را از خود مران.³

از این رو روایات اسلامی تندخویی را نکوهش و نرمی و ملاطفت را ستایش کرده اند. در روایتی که از امیرالمومنین علی علیه السلام روایت شده، می فرماید: «الحدّه راس الحمق؛ تندخویی نهایت حماقت است.»⁴ و همچنین از امام صادق علیه السلام نقل است «المومن له قوه فی دین و حزم فی لین... و لیس بواهن و لا فظ و لا غلیظ» مؤمن، در دین خود قوی و در عین نرمی و ملایمت با تدبیر است... و سست و خشن و سنگدل نیست.»⁵

¹ طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۵۲۵

² مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۰۷.

³ ضحی: ۱۰

⁴ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۶۰

⁵ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۳۱

معصومین (ع)، با بیان پیامدهای بد مجادله و منازعات لفظی بدون نتیجه، توصیه‌ی فراوانی شده که حتی در صورت بر حق بودن نیز از آن خودداری کنیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «اورع الناس من ترک المراء وان کان محقاً؛ با تقواترین افراد کسی است که از بحث و جدل بیهوده بپرهیزد، هر چند حق با او باشد».¹

و حضرت علی علیه السلام فرمود: «ایاک و المراء فانک تغری نبفسک السفهاء و تفسد الاخاء؛ از بحث و جدل بپرهیز؛ چرا که با این کار سفیهان را علیه خود تشویق می‌کنی و دوستی و برادری خود را با دیگران فاسد می‌نمایی».²

همچنین آن حضرت فرموده است: «من ضن بعرضه فلیدع المراء؛ کسی که بر آبروی خود بیمناک است، از جدال بپرهیزد».³

و از امام صادق علیه السلام در منع از جدال و منازعه نقل شده است: «ایاک و المراء فانه یحبط عملک، و ایاک و الجدل فانه یوبقک، و ایاک و کثره الخصومات فانه تبعدک من الله؛ از بحث و جدل بپرهیز که این کار اعمال نیکت را نابود می‌کند؛ از جدال دوری کن که تو را به هلاکت می‌افکند و از خصومت ورزی زیاد اجتناب کن که تو را از خدا دور می‌کند».⁴

تجربه نشان داده است که در همه این موارد، به طور معمول نزاع بر سرحق و باطل یا درست و نادرست نیست؛ بلکه بر سر "خود" و به کرسی نشاندن حرف "خود" است؛ بنابراین کسانی که با آفت "خودخواهی" آشنایی دارند و گرفتاری در چنگ این صفت پلید را برای خود ننگ می‌دانند، از وارد شدن به عرصه این گونه نزاع‌ها و مشاجره‌ها پرهیز می‌کنند. آنها حتی اگر در مواردی خودشان را بر حق بدانند، با بحث‌های تند و بی‌ثمر، خود را به این گونه مشاجره‌ها آلوده نمی‌کنند؛ زیرا می‌دانند که حتی اگر در آغاز، هدف اثبات حق باشد، به تدریج در جریان این گونه مجادله‌ها، دفاع از خود و به کرسی نشاندن حرف خود، جای آن را می‌گیرد. فضای این جر و بحث‌ها معمولاً آکنده از لجاجت و خصومت ورزی است؛ لذا در اثر آن، دوستی و محبت میان افراد تضعیف می‌شود و کینه و دشمنی جای آن را می‌گیرد.

¹ صدوق، محمد بن حسن من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۴.

² نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۷۷.

³ نهج البلاغه، حکمت ۳۶۲.

⁴ نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۷۳.

از فرموده های امام هادی علیه السلام این است که فرمودند: «المراء یفسد الصداقه القدیمه و یحلل العقدہ الوثیقہ و اقل ما فیہ ان یکون فیہ المغالبہ، و المبالغہ اس اسباب القطیعہ» گفت و گوهای خصومت آمیز، دوستی های دیرین را از بین می برد و پیوندهای محکم را زایل می کند و کم ترین زیان این جدال ها آن است که هر یک از طرفین می خواهد بر دیگری غلبه کند؛ و این خود مایه اصلی افتراق و جدایی است».

از این رو، هرگاه یکی از زن و شوهر، با لجاجت بر نظر خود پافشاری کند، طرف مقابل باید از پی گیری بحث خودداری ورزد و با سکوت، بی علاقه ای اش را به ادامه ی بحث نشان دهد.

هر یک از ما باید خودمان را بهتر بشناسیم و گمان نکنیم که نظر ما همواره درست است. گاه آرای ما بر اساس آگاهی های کافی نیست؛ بلکه بر اطلاعات غیر دقیق یا نادرست استوار است و چنان که خود می پنداریم، استحکام و استواری لازم را ندارد؛ بنابراین باید با انعطاف و نرمش به یک تبادل نظر منطقی تن دهیم و در هر حال، از وارد شدن به بحث و جدل های ستیزه جویانه و مناقشات لفظی خودداری کنیم.

نتیجه گیری

از مجموع مطالب ذکر شده در این پژوهش حاصل می‌شود:

- ۱- در قرآن کریم رذایل اخلاقی و آثار آن در خانواده بیان شده است.
- ۲- خشونت و تندخویی در بعد اجتماعی و خانوادگی مشکلاتی جدی در روابط افراد با دیگران به ویژه اعضای خانواده با یکدیگر ایجاد می‌کند و از محبوبیت افراد و آرامش حاصل از کنار هم بودن می‌کاهد.
- ۳- فردی که نسبت به خانواده آزار جسمی داشته باشد، خدا و پیامبر (ص) را عصیان نموده و باعث بی‌احترامی به همسر و سبب ایجاد حس بی‌ارزشی و ناتوانی در حل مسائل خانواده، افسردگی، اضطراب و انواع بیماری‌های روانی در زن می‌گردد.
- ۴- با دشنام و ناسزاگویی در خانواده، بی‌حرمتی، خرد شدن شخصیت زن و مرد در مقابل یکدیگر و تزلزل بنیان خانواده حاصل می‌گردد.
- ۵- استهزاء و مسخره کردن، کینه و دشمنی را میان اعضای خانواده ایجاد کرده و سبب کمرنگ شدن حس مسئولیت‌پذیری نسبت به خانواده می‌شود.
- ۶- سرزنش و سرکوفت، لجابت را افزایش داده و آبروی افراد را از میان می‌برد.
- ۷- جروبحث و منازعات لفظی از دیگر رذائل اخلاقی است که منجر به بی‌علاقگی و بی‌مهری در میان زن و مرد می‌گردد.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- انصاریان، حسین، زیبایی‌های اخلاق، قم: دارالعرفان، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ه.ش.
- ۴- بندر ریگی، محمد، فرهنگ جدید (عربی-فارسی)، ترجمه: منجد الطلاب بضمیمه فرائد الادب، تهران: اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه.ش.
- ۵- خوانساری، محمد بن حسین، شرح غررالحکم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ه.ش.
- ۶- دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین، گناهان کبیره، تهران: جهان، ج اول، ۱۳۹۶ ه.ش.
- ۷- دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب الی الصواب، قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۱ ه.ش.
- ۸- سبحانی، جعفر، نظام اخلاقی اسلام، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ ه.ش.
- ۹- صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ه.ق.
- ۱۰- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۲۰ ه.ق.
- ۱۱- طوسی، نصیرالدین، شرح اشارات و التنبیهات ابن سینا، قم: بلاغه، ج سوم، چاپ اول، ۱۳۷۵ ه.ش.
- ۱۲- -----، اخلاق ناصری، تهران: علمیه اسلامی، ۱۴۱۳ ه.ق.
- ۱۳- علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث عربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه.ق.
- ۱۴- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، قم: دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۲۹ ه.ق.
- ۱۵- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ه.ش.

۱۶- مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامى، دانشنامه بزرگ اسلامى، ج هفتم، تهران: مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامى، ۱۳۶۷ ه.ش

۱۷- ميرزاى نورى، حسين بن محمد تقى، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ، قم: آل البيت لاحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه. ق.

۱۸- السيوطي، عبد الرحمن بن أبى بكر، در المنثور ، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۲ ه. ق.

۱۹- آلوسى، شهاب الدين، روح المعانى ، بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۱۵ ه. ق.

۲۰- ورام بن ابى فراس اشترى، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر و نزاهه النواظر)، قم: انتشارات مكتبه الفقهيّه، ۱۴۱۲ ه. ق.